

تحلیل مبانی تربیت غریزه جنسی و راهکارهای کنترل آن از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی

لیلا پرباله^۱، فاطمه کاکا دزفولی^۲، محمد مهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن، از مرکز تخصصی الزهرا (س) دزفول، پژوهشگر

^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن، معاون پژوهش مرکز تخصصی الزهرا (س) شهر دزفول، استاد حوزه علمیه خواهران و پژوهشگر

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر،

چکیده

تربیت جنسی در اسلام، مبتنی بر جهان بینی اسلام در رابطه انسان با خداست. اسلام، خواسته های جسمانی را پذیرفته است و درصدد سرکوب آنها نیست؛ اما آزادی بی قید و بند را نمی پذیرد؛ بلکه به صورتی کنترل شده و روش مند جهت و بستر ارضای انگیزه را تعیین می نماید. از آنجاکه تکامل و تعالی انسان، به تربیت و خودسازی در همه ابعاد وجود اومرتبط است و غریزه جنسی، نیز یکی از این ابعاد است لذا بخشی از موفقیت ها و کامیابی های بشر در گرو تربیت جنسی است؛ ارضای غریزه جنسی در هر جامعه و مکتبی، دارای چارچوب و اصولی است که رعایت آنها ضروری است هر مکتبی که مدعی تأمین سعادت بشر را دارد، باید برای غریزه جنسی، برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن دهد. نگاه صحیح و واقع بینانه به غریزه جنسی و ارضاء آن، هدایت و جهت دهی آن، عاملی در جهت تکمیل تکامل و سعادت فرد و راهکاری برای اصلاح، ارتقاء معنوی، آرامش و آسایش جامعه بشری است؛ در حالیکه، غفلت از تربیت جنسی، بهداشت و سلامت روانی فرد و جامعه را به خطر انداخته و به نابودی می انجامد. هدف از پژوهش حاضر بررسی این مسأله است که مبانی و اصول تربیت غریزه ی جنسی از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی چیست و راهکارهای کنترل این غریزه کدامند؟ روش پژوهش، تحلیلی -توصیفی بر پایه تحلیل محتواست. در این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه ای است.

واژه های کلیدی: غریزه جنسی، مبانی تربیت، تربیت جنسی، اسلام، روانشناسی

مقدمه

تربیت جنسی، ارائه مجموعه ای از دانستنی های ضروری روانشناختی، جسمانی و دینی، درمورد مسائل جنسی مربوط به هر فرد و همچنین ارائه اطلاعات و آگاهی هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است. در تربیت جنسی، افراد مسن تر اجتماع یا آنهایی که بیشتر در رابطه با مسائل جنسی، اطلاعات و معلومات دارند، با افرادی که کمتر یا اصلاً در این رابطه رشدی ندارند، برخورد می کنند تا رشد بیشتری در آنها به وجود آورند. و از این راه، به پیشرفت زندگی انسانی از نظر مسائل و برخوردهای جنسی کمک کنند. (دوایی و بنی سی، ۱۳۸۴)

با توجه به این که اسلام، دینی است که تمام زوایای زندگی انسان را در بر می گیرد؛ لذا به تربیت جنسی نیز توجه نموده و قرآن و بزرگان دین، راهکارهایی را برای تربیت جنسی ارائه نموده اند. تعلیم دینی، مسائل جنسی را بررسی نموده و با پرورش استعداد های افراد جامعه، باعث ارتقای سطح سلامت و دست یافتن به اهداف عالی تعلیم و تربیت شده است و مانع بروز انحرافات جنسی شده است. هدف اصلی از تربیت جنسی، قرب الهی است. فرد زمانی که از فشار غریزه جنسی در امان باشد میتواند به تفکر و عبادات بپردازد.

موضوع تربیت جنسی، غریزه جنسی است؛ غریزه جنسی، جزء غرائز نیرومند انسانی و عامل اصلی ارتباط زن و مرد است و از مهم ترین زوایای شخصیتی انسان است که بر جنبه های مختلف زندگی آدمی و بر رفتار، گفتار و کردار او تأثیر می گذارد. این غریزه در چگونگی شکل گیری شخصیت فردی، شاکله اجتماعی و نیز بر اندیشه، زبان و بر بنیادها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. از این رو، ارضاء، هدایت، تنظیم و تعدیل آن، لازم و ضروری است و چشم پوشی از این امور، اصل فرایند تربیت را، ناکارآمد، ناقص و بی ثمر می سازد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم تربیت جنسی

تعریف های فراوانی برای تربیت جنسی، مطرح شده است از جمله:

الف. منظور از تربیت جنسی، این است که کودک را طوری پرورش دهیم که وقتی که به سن بلوغ رسید، قادر به تشخیص حلال و حرام در مسائل جنسی باشد و به وظایف زناشویی و همسری خود نیز آگاه باشد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و گرفتار مسایل شهوانی، نشده باشد. (بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

ب. مقصود از تربیت جنسی، این است که زمینه ها و عواملی که به مسائل جنسی مربوط است، به نحوی مهیا شود که استعداد های شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید. (ثابت، ۱۳۸۱، ص ۱۴)

ج. تربیت جنسی، به کلیه اقداماتی گفته می شود که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و مناسب انگیزه جنسی انجام شده و هدف آن، اطلاع رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به مودت، رحمت و آسایش در زندگی است. (رستمی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۴)

تعریف های فوق، خالی از ابهام نیستند. شاید بتوان گفت که تربیت جنسی، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، چنان رشد پیدا کند و آموزش ببیند که جنسیت خود را بپذیرد؛ و با آن بیگانه نباشد و به وجود خویش افتخار کند؛ نقش مرتبط با جنس خود را به لحاظ مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را بداند؛ برای ازدواج و تشکیل خانواده آمادگی روانی پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد و به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۲) لذا، تربیت جنسی تنها آموزش جنسی یا انتقال دانستیهای جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست و هرگز نمی توان تربیت جنسی را تنها به انتقال اطلاعات و آگاهیها در ساحت مسائل جنسی یا فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی تعریف کرد. (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۴۳۸ و ۴۳۱)

۱-۲. مبانی تربیت جنسی

منظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی های طبیعی شناختی و گرایشی ای هستند که در انسان ها به صورت واقعی وجود دارند و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش ها، صفات و فعالیت های مربوط به جنس مذکر و مؤنث هستند. به عبارت دیگر، مبانی تربیت جنسی، همان هستی ها، قابلیت ها و ویژگی های انسانی است که خواسته ها و عملکردهای جنسی از آنها پدید می آیند. مبانی تربیت جنسی، با اهداف تربیت جنسی، هماهنگ است. آفریدگار، بر اساس حکمت خویش، هدف های ویژه ای برای بشر در نظر گرفته است و برای نیل بشر به آن اهداف، قابلیت ها و ویژگی های خاصی در ساختار آدمی سرشته است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۸۴)

۳-۱. اصول تربیت جنسی

اصول تربیت جنسی، یعنی قواعد و دستورالعمل های نسبتاً کلی ای که پذیرفتن و به کار بستن آنها، فرد را برمی انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب الهی، خواسته ها و فعالیت های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متریان را سامان دهد و در برآوردن نیازها و امیال جنسی، شیوه ای را پیش گیرد که او را به خدا نزدیک کند و خداوند را از او خشنود سازد. (همان، ص ۸۱)

۴-۱. رابطه مبانی و اصول تربیت

در متون دینی، مبانی، منشأ اصول اند و اصول، برگرفته شده از مبانی. قواعدی می توانند جزو اصول تربیت جنسی باشند که از مبانی و واقعیات عینی وجود انسان و آنچه در ارتباط با اوست، سرچشمه گرفته باشند. واقعیت خود انسان و ویژگی ها و ابعاد وجودی وی، حیات مادی و معنوی اش و ارتباط او با خدا و افراد دیگر و موجودات، همه، مبانی ای هستند که با تحلیل آنها، اصول، اکتشاف می شوند. هر کدام از جنبه های روانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، الهی و ... انسان، می تواند منشأ اصل یا اصول تربیتی جنسی باشد. (همان)

۲. موضوع تربیت جنسی

موضوع تربیت جنسی، شامل موارد متعددی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

نگرش والدین، نسبت به جنسیت خود و فرزندان؛ شیوه برخورد متناسب والدین، با جنسیت فرزندان؛ از جمله: طرز لباس پوشاندن به آنها و مسئولیت هایی که به آنها واگذار می شود؛ پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان، در مورد تولید مثل، تفاوت های جنسی دختر و پسر؛ رفتار والدین با یکدیگر؛ نگاه والدین، به مقوله ازدواج و ارتباط جنس مخالف؛ آموزش دادن فضایل اخلاقی از جمله حیا به فرزندان؛ رفتارهای بهنجارها و نابهنجاری های جنسی؛ بیان نمودن اهمیت و کارکرد تقوا و پرهیز از بی بند و باری جنسی؛ آگاهی دادن به فرزندان، در رابطه با بیماری های مقاربتی همانند ایدز؛ تعلیم مسایل دینی و احکام در مورد مسائل جنسی دوران بلوغ و ازدواج؛ توجیه فرزندان نسبت به تغییرات دوران بلوغ؛ مهیا کردن نوجوانان و جوانان جهت زندگی زناشویی و آشنا کردن آنها به وظایف همسررداری و فرزندپروری؛ آگاه کردن فرزندان، به طبیعی بودن میل جنسی و تمایل جنسی به جنس مخالف و موارد بسیار دیگری که در این حیطه قرار می گیرند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۴)

۳. بررسی نظریه روانکاوی فروید

نظریه روانکاوی فروید بسیار پیچیده است. او شخصیت را از شش منظر گوناگون بررسی کرده است:

- مکان‌نگاری (توپوگرافیک): شامل شیوه‌های کارکرد هشیار در مقابل ناهشیار.
 - پوششی: تعامل نیروهای روانی
 - تکوینی: خاستگاه و رشد پدیده‌های روانی از منظر رشد که از طریق مراحل روانی جنسی - شامل دهانی، مقعدی، آلتی، نهفتگی و تناسلی
 - اقتصادی: توزیع، تغییر شکل و مصرف انرژی
 - ساختاری: درباره‌ی واحدهای کارکردی پیوسته نهاد، خود و فراخود
 - انطباقی: آمادگی ذاتی فرد برای تعامل با مجموعه‌هایی از محیط‌های در حال تحول عادی و پیش‌بینی‌پذیر.
- سایت ravanhami.com.

طبق این دیدگاه‌ها، روانکاو مدلی متکی بر تعارض است که منجر به شکل‌گیری مصالحه می‌شود. ذهن گرفتار تعارض همواره بین نیروهای ناهشیار و هشیار است، بین چیزی که فرد بلافاصله خواستار آن است و چیزی است که جامعه می‌پذیرد. در نهایت رفتار انسان بالغ نمایانگر مصالحه بین این تعارض‌های مغایر است. نهاد خواهان به دست آوردن فوری غذا، ارضای جنسی، آرامش جسمانی و ستایش است، اما فراخود مانع از این لذت‌های مادی و فوری می‌شود. بنابراین مدام مصالحه می‌کنیم: و تا مهیا شدن شرایط مناسب برای خوردن، برقراری رابطه جنسی، اجابت مزاج، و به دست آوردن توجه کامل منتظر می‌مانیم.

فروید بر این باور بود که نیروهای پوششی بنیادی برانگیزنده شخصیت، اروس (زندگی و میل جنسی) و تاناتوس (مرگ و پرخاشگری) هستند. این نیروهای مکمل یکدیگر گزینه‌هایی هستند که مبنای جسمانی دارند اما در افکار، خیال‌پردازی‌ها، آرزوها، احساسات، و به طور مستقیم در اعمال بیان می‌شوند.

انسان مدام تمایل به ارضای فوری تکانه‌های جنسی و پرخاشگرانه دارد. اصرار بر ارضای فوری به تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر با قواعد اجتماعی منجر می‌شود که تأکید دارند اگر قرار بر این باشد که نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، پایدار و سازمان‌یافته بماند، باید امیال جنسی و پرخاشگری تا حدودی کنترل شود. انسان مجبور است از طریق ساز و کارهای دفاعی یا کنترل‌های درونی از این تکانه‌های جنسی و پرخاشگرانه به شکل انفجارهای کنترل‌نشده پیشگیری کند. بدون این دفاع‌ها، دنیای متمدن، به جنگلی از حیوانات تجاوزگر و ویرانگر تبدیل خواهد شد.

شکل‌گیری مکانیزم‌های دفاعی مانع از آن می‌شود که انسانها از تمایلات درونی بنیادی تجاوز و تخریب آگاه شوند. در اینجا فرض می‌شود که اگر انسانها به چنین تمایلاتی آگاه نباشند می‌توانند بر اساس آنها دست کم به طور مستقیم عمل کنند. این دفاع‌ها فرد را از خطر تنبیه شدن بر اثر زیر پا گذاشتن قواعد اجتماعی درو نگه می‌دارد.

همچنین دفاع‌ها مانع از احساس اضطراب و گناهی می‌شود که ممکن است بر اثر میل به زیر پا گذاشتن قواعد والدین و اجتماع ایجاد شود. برای اینکه دفاع‌ها به طور مناسبی عمل کنند شخص باید از مکانیزم‌هایی که مانع از ورود تکانه‌های جنسی و پرخاشگرانه به آگاهی می‌شود بی‌خبر بماند. در غیر این صورت فرد با وضعیت دشواری روبرو می‌شود که شبیه مخفی کردن راز از کودک سه ساله‌ای است که می‌داند رازی دارید: سماجت مداوم برای اطلاع از چیزی که مخفی نگه داشته شده طاقت‌فرساست.

۴. اساس شخصیت در نظریه روانکاوی

اساس شخصیت از در نظریه روانکاوی تعارض ناهشیار بین تکانه های جنسی و پرخاشگرانه فرد، قواعد اجتماعی با هدف کنترل این تکانه ها، و مکانیزم های دفاعی کنترل کننده ی تکانه ها به شیوه ای است که در عین آنکه تا حدی اجازه ارضای مستقیم و بی خطر تکانه ها را می دهد، احساس گناه و اضطراب را در کمترین حد نگه می دارد.

البته تفاوت شخصیت بهنجار و روان رنجور صرفاً در شدت یا درجه است. موقعی که تعارض های ناهشیار بسیار شدید، بسیار آزارنده و مکانیزم های ناشی از آنها بسیار محدود کننده باشند، نشانه های روانرنجوری ظاهر می شود. هر چند که همه شخصیت ها بر محور تعارض های ناهشیار قرار دارند، افراد از نظر تکانه های خاص، قواعد، اضطراب ها، و دفاع های در تعارض با هم، با یکدیگر تفاوت دارند. تفاوت ها بستگی به مرحله خاصی از زندگی دارد که تعارض های فرد در رخ می دهد. از نظر فروید مراحل زندگی عمدتاً از طریق آشکار شدن میل جنسی در مراحل دهانی، مقعدی، آلتی و تناسلی تعیین می شود. تجربه های متفاوت در جریان هر یک از این مراحل در تعیین انواع ویژگی ها و شخصیت های ناشی از آنها نقش مهمی دارد. (<https://ravanhami.com>)

۵. ویژگی های تربیت جنسی، در اسلام

پرداختن به ویژگی های تربیت جنسی در اسلام، بخشی از کل منظومه ی تربیتی اسلام است. در واقع، هر آنچه که در مورد منظومه ی تربیتی اسلام صدق می کند، در مورد تربیت جنسی نیز صادق است. با این حال، تربیت جنسی شامل ویژگی هایی زیر می باشد؛ از جمله:

۱. تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، ربانی است: به این معنا که این بعد از تربیت اسلامی نیز، منشای الهی دارد و مربی و

متربی هر دو موظفند که به آن بپردازند. در این سیر تربیتی، مربی دائماً می کوشد تا به رفتار جنسی، صبغه ای الهی بدهد و رضایت الهی را کسب کند.

۲. تربیت جنسی در نگاه اسلام، انسانی است: در این نظام تربیتی، پیوسته حفظ کرامت و حرمت و قداست انسان مورد نظر است؛ لذا، هیچ فردی حق ندارد از روی شهوت، کرامت خود را زیر پا گذارد و انسایت خویش را، با خواسته ها و تمایلات دون و پست، خدشه ساز نماید.

۳. تربیت جنسی در اسلام، تداوم دارد: رسانه های گروهی موظف ند تا هرآنچه را که باعث میشود تا خانواده و مدرسه را بسازند، تحکیم و تقویت نماید و در سایر مراکز آموزشی نیز تداوم یابد. تداوم در تربیت جنسی، شرط پیروزی است و بدون آن، تربیت کامل شکل نمی گیرد.

۴. تربیت جنسی در اسلام مبتنی بر واقع گرایی، است: نگاه اسلام در امر تربیت جنسی، به حقایق و گرایش های سرشتی انسان به امور جنسی معطوف است و نسبت به این میل انسانی، رویکرد منفی ندارد و با دید غیرصحيح، این حقیقت ذاتی آدم را از بین نمی برد و دگرگون نمی سازد و یا سرکوب نمی سازد.

۵. تربیت جنسی در اسلام، مرحله به مرحله و به تدریج است: یکی دیگر از ویژگی های نظام تربیتی اسلام، اصل تدریج است؛ و این ویژگی لازمه طبیعی تربیت جنسی و همگام با مراحل رشد انسان است. این اصل در تربیت جنسی، بر اصول زیراستوار است: الف- توجه به سطح ادراک و در نظر گرفتن مراحل رشد جسمی و عقلی کودک؛ ب- در نظر گرفتن جنسیت فرد: رشد جنسی دختر با پسر متفاوت است؛ بنابراین، مربی باید مسائل جنسی را زودتر به دختر بیاموزد؛ چرا که برای آموزش مسایل جنسی به پسر، فرصت بیشتری دارد. کیفیت و کمیت آموزش جنسی، تابع رشد عقلی است که در دختران و پسران وجود دارد. (مدن، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲)

۶. اهداف تربیت جنسی

منظور از هدف در نظام تعلیم و تربیت، وضع سودمند و مطلوبی است که برای محقق شدن آن، شایسته است که فعالیت های مناسب تربیتی انجام پذیرد. هدف های تربیت جنسی از منظر اسلام، به دو دسته هدف نهایی و اهداف واسطه ای تقسیم می شوند.

۶-۱. هدف نهایی

هدف نهایی تربیت جنسی، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی یعنی تقرب به الله و دستیابی به کمالات مطلوب و رضوان الهی است. تربیت جنسی، زیر مجموعه ی نظام تعلیم و تربیت است؛ پس باید تمامی مبانی، اصول، روش ها و فعالیت های مربوط به جنسیت زن و مرد، در مسیر همان وضع مورد قبول باشند که رضوان الهی است. هر فرد، با پیمودن این مسیر به این هدف و با پرورش و تربیت بهینه استعدادها و جهت دادن به امکانات، خواسته ها و فعالیت هایش، درصدد به دست آوردن درجات و مراتبی از آن هدف بر می آید و هرکس که بتواند بین انگیزه ها، باورها و فعالیت های خود با آن اهداف، بیشترین هماهنگی را ایجاد نماید و در درجات مسابقه قرب الهی، از همه پیشی گیرد، مراتب بیشتری از آن قرب و رضوان الهی را به دست می آورد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۵) واضح است که تربیت و پرورش انسان در همه ساحتها، به هدف نیل به همین اهداف است و اختصاص به تربیت جنسی ندارد.

۶-۲. اهداف واسطه ای

مقصود از هدف های واسطه ای، موقعیتهای مورد پسندی هستند که زمینه ساز رسیدن به هدف نهایی اند. این هدف ها، خود دو دسته اند: هدف های کلی و هدف های رفتاری. اهداف رفتاری، خود، زمینه تحقق و دستیابی هدف های کلی را فراهم و تسهیل می نمایند. (همان، ص ۱۳)

۶-۳. اهداف کلی تربیت جنسی

۶-۳-۱. آماده کردن زمینه ی مناسب، جهت رشد سالم جنسی

اولین هدف تربیت جنسی که از زمان خردسالی و یا حتی قبل از تولد، شروع می شود، این است که رشد جنسی کودکان، به طور طبیعی و سالم شکل بگیرد و مانع بروز هرگونه انحرافات جنسی، ناهنجاری، بلوغ زودرس شود؛ بلکه طفل، در محیطی آرام و بدون التهاب غریزی و فشار جنسی، بزرگ شده و بتواند در سنین نوجوانی بدون تحمل استرس ها، با ظهور امیال جنسی خود که بروز آنها در این مرحله رشدی، طبیعی و به هنجار است، به شکلی مطلوب مقابله کند و در سن جوانی، به حدی از رشد برسد که بتواند همسری مناسب و پدر یا مادری شایسته برای فرزندانش باشد. (همان)

۶-۳-۲. درک صحیح از هویت جنسی خود و انتظار معقول از خود

یکی از اهداف تربیت جنسی، رسیدن به شناخت درست از هویت جنسی خود است. تربیت، سبب می شود که فرد، شناخت صحیح و انتظار درستی از هویت جنسی خود پیدا کرده که هماهنگ با توانایی های جنسیتی اش باشد. اگر، در مرحله کودکی و نوجوانی این هدف حاصل شد، به طور قطع چنین شخصی میتواند در دوره جوانی و بزرگ سالی، مسئولیت های خود را مناسب با جنسیتش انجام دهد و گرفتار تمایلات انحرافی نشده و غرایز طبیعی اش، با روشی سالم، ارضا خواهند شد. (همان، ص ۱۳)

۶-۳-۳. ارضا شدن به هنجار و صحیح غریزه جنسی

یکی دیگر از اهداف مهم تربیت جنسی، این است که انسان بتواند نیاز جنسی خود را که یک نیاز فطری و طبیعی است، با روشی سالم و به هنجار ارضا کند. در دین اسلام - برخلاف برخی از ادیان -، میل جنسی و لزوم ارضای آن، نه تنها پست و رذالت آمیز مطرح نشده، بلکه امری طبیعی و مطلوب است؛ اما در شرایطی که در چارچوب ازدواج زن و مرد - چه به صورت دائم و چه موقت - انجام شود و از شیوه های نابه هنجار ارضای این نیاز، جلوگیری نمود. (همان، ص ۱۳)

۶-۳-۴. پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه

از دیگر اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام محافظت افراد جامعه از هرگونه انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم، اهداف دیگر تربیت جنسی، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری، بهتر از درمان است»، اگرچه معمولاً در مورد بیماری های جسمی گفته می شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی، بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آنها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است؛ چون برگرداندن هر معتادی از عادتش مشکل است. (همان، ص ۱۳)

۵-۳-۶. آماده نمودن پسر و دختر، جهت شروع زندگی سالم خانوادگی

آموزش یکسری از مسایل مختلف مربوط به غریزه جنسی و مسائل خانوادگی به دختران و پسران، باعث می شود، زمینه و شرایط لازم جهت ازدواج سالم همراه پیوند عمیق زوجین فراهم شود. جوانی که قصد ازدواج دارد، باید بداند که چگونه محبت خود را ابراز کند و چگونه تمایل طرف مقابل را به خود جلب کند و در مواقع سخت و پیچیده، چگونه عمل کند. همچنین باید بداند چه مسائلی، باعث تضمین سلامت زندگی خانوادگی او می باشد و چه مسائلی، آن را متزلزل می سازد. از طرف دیگر، تربیت جنسی صحیح، از انحرافات جنسی زوجین و تزلزل پیوند خانوادگی، جلوگیری می کند و وقتی که زوجین قبل از ازدواج، از ارتکاب محرمات خودداری کنند، اعتماد و اطمینان آنان به یکدیگر، بیشتر خواهد شد و همین امر، عامل مهمی در سلامت زندگی خانوادگی آنها خواهد بود. به بیان دیگر، آشنایی با ویژگی های روانی عاطفی جنس مخالف به دختر و پسر، آموزش دادن اصول ازدواج سالم به آنها و نشانگان ازدواج های غیرسالم، پرورش مهارت های برقراری رابطه صحیح زن و مرد پس از ازدواج، آنها را برای زندگی سالم جنسی همراه با آرامش روان، پاک دامنی و پرهیز از انحرافات جنسی، آماده می نماید. (همان، ص ۱۹)

۴-۶. اهداف میانی و رفتاری**۱-۴-۶. پاسخ متعادل به غریزه جنسی**

از نظر دین اسلام و دانشمندان مسلمان، برطرف نمودن نیاز جنسی باید به اعتدال باشد و از افراط و تفریط به دور باشد و این امر مهم را، هدف تربیت جنسی شمرده اند؛ زیرا، افراط در برآوردن نیاز جنسی، فروگذاری عقل و دین است و با هدایت، سعادت و کمال در تعارض جدی است. تفریط در آن نیز، خروج از حوزه اعتدال و عدل و کجروی در انجام سنت نبوی است و علاوه بر این، آنان که از ازدواج سرباز میزنند، در برقراری ارتباط اجتماعی ناتوانند (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۳۸ و ۳۱) و تهذیب باطن هم، بدون ازدواج کردن ناقص میماند. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۸، ص ۳۵)

۲-۴-۶. بقا و حفاظت نسل

انسان، تمایل به بقا و حفاظت جدی از نسل خویش دارد و به همین جهت ازدواج می نماید تا از این مسیر، نسل او محفوظ بماند. لذا در صورتی، این امر شکل میگیرد که انحراف جنسی در میان نباشد؛ آنچه که به انسان در تحقق بقا و حفاظت نسل، کمک میرساند، تربیت جنسی است که با ساز و کار خود، ماهیت انحراف جنسی را تبیین و تشریح نموده و باعث بروز پیامدهای آن می شود و افراد را از کجروی جنسی باز میدارد. (همان، ص ۵۳) لذا، وجود فرزندان نامشروع، از آسیبهای جدی و از چالشهای بنیان برافکن جامعه است که بدون آموزشها و راهکارهای دینی در ساحت مسائل جنسی، نمی توان باعث حفاظت ارتباط نسلی شد. (فیض کاشانی، بیتا، ج ۸،)

۳-۴-۶. دستیابی به لذت زندگی

از اهداف مهم تربیت جنسی، لذت جنسی و رسیدن به آسایش، آرامش و صفای زندگی است و رسیدن به این اهداف، مستلزم پیوند زناشویی مشروع و حلال است. چنانکه گفته شده: «لذت و صفای خانوادگی، یادآور لذت‌های بهشتی است». (فیض کاشانی، ۱۳۹۲ق، ص ۳۸) در صورتی که محیط خانواده، زمینه ساز صفا و مهر باشد؛ زن و شوهر، تمام علاقه، عشق و احساس عاطفی خود را در این محیط مقدس خانواده بذل و تقدیم می کنند و به تمام محدودیتها و ممنوعیت‌های التذاذ جنسی در محیط خارج از خانه متعهد می مانند. ثمره ی تربیت جنسی، آموختن شیوه انتخاب همسر، همسر داری و چگونه زندگی کردن در خانه و خانواده به زوجین است.

۴-۴-۶. تشکیل جامعه ای سالم

تربیت جنسی، بسترو زمینه ای است که با ایجاد جامعه سالم ارتباط تنگاتنگ دارد؛ چرا که ، سلامت جامعه، وابسته به سلامت افراد می باشد و نظر به این که غریزه جنسی، یک خواسته و میل همگانی و فراگیر است، اگر افراد جامعه در زمینه مسائل جنسی صحیح تربیت شده باشند، جامعه ای سالم ، تشکیل خواهد شد و اگر چنانچه افراد، در این زمینه درست تربیت نشده باشند، برای برطرف نمودن نیاز جنسی خود به انحراف کشیده میشوند و خود و جامعه را به فساد و تباهی میکشند و باعث بروز نابسامانیها و چالشهای فراوان خواهند شد. «آنگاه که شهوت جنسی غلبه یابد و طغیان کند، جسم و جان، اندیشه، عقل و دل انسان را اسیر خود نموده و بلا شک ، افراد را به انجام گناه وامیدارد؛ پس باید مسیر درست تربیت جنسی را که همان پیوند زناشویی است انتخاب نمود ؛ در غیر این صورت ، در زمین، فتنه و فساد ی بزرگ پدید خواهد آمد.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۸، ص ۳۱).

۷. مبانی تربیت جنسی**۱-۷. وجود غریزه جنسی**

از مبانی و اصول اساسی تربیت جنسی، وجود غریزه جنسی در نهاد انسان است. از منظر روان شناسان و زیست شناسان، غریزه جنسی، جزء غریزه های مادی و فیزیولوژیک و ثانویه انسان بوده ؛و نیاز جنسی، یک تمایل طبیعی و ارگانیک است که در خلقت انسان، وجود دارد. علت نامگذاری این غریزه، به ثانویه به این دلیل است که هر چند که همچون غرایز اولیه - مثل: تشنگی، گرسنگی و خواب-، عدم ارضای صحیح آنها، باعث مرگ انسان نمی شوند؛ اما منجر به ایجاد اختلالات بی شماری در انسان می شود که به صورت های مختلف، بروز می یابد همچون بیماری های روانی مانند: وسواس و افسردگی؛ انحرافات جنسی مانند:

استمنا و همجنس گرایی؛ یا اختلالات جنسی مانند: سردمزاجی، ناتوانی جنسی؛ بزهکاری و جنایت (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۸۳ و ۸۹)

اسلام، غریزه جنسی را، به مثابه یکی از نیازهای انسان می داند و آن را نعمتی الهی و نیازی فطری و طبیعی بر می شمارد. همچنین وجود علاقه میان زن و مرد و تمایل باطنی به یکدیگر را، امری مطلوب می داند که هیچ زشتی و پلیدی در آن وجود ندارد. (بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۹۸ «گرایش و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر، نشانه الطاف خدا، لطف و موهبتی خدایی، عامل بقاء نوع و نیز زمینه کامجویی و لذت بردن است». (فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ق، ص ۳۸) از طرف دیگر، دیدگاه هایی هم هستند که تمایل و علاقه جنسی را ذاتاً پلید و زشت و آمیزش مشروع جنسی را، حیوانیت و عامل انحطاط و سقوط میدانند؛ چنین نگرش و دیدگاهی، به معنای محکوم کردن جزئی از وجود آدمی است که در زندگی خانوادگی و نیز در جامعه تأثیر منفی دارد.

۸. مقایسه دیدگاه قرآنی و نگرش فرویدی در باب امیال شهوانی

زیگموند فروید در سیر تکاملی انسان، نقشی اساسی و جایگاهی محوری برای غریزه جنسی قائل است. او برای سایر شهوات نقشی کمرنگ در نظر گرفته در مواردی اصلاً آن را نادیده گرفته و قایل است که، تمایل انسان به دین و معنویت ناشی از عقده جنسی است. اگرچه فروید در ساختار شخصیت انسانی برای فراخود و وجدان انسانی جایگاهی ویژه قایل شده و بیان می کند که فراخود شاخصه های اخلاقی را به انسان تذکر می دهد، اما وجدان انسانی را صرفاً نتیجه ی انتقال ارزش های اجتماعی توسط خانواده می داند. از طرفی طبق دیدگاه اسلامی، وجدان و نفس لوآمه انسان مبتنی بر فطرت الهی است، هرچند مولفه های دیگر تربیتی، همانند: ژنتیک، محیط زندگی و خانواده در انتقال ارزش های اخلاقی و معنوی نقش مؤثری برعهده دارند.

با این اوصاف، اگرچه تأکید فروید در رشد روانی انسان بر محوری بودن نقش غریزه جنسی است، لکن او در ضمن توصیف نظریه روان شناختی اش بر محوریت این غریزه تأکید نموده است، لذا به سادگی نمی توان او را قایل به دیدگاه آزادی جنسی و بی بند و باری دانست. در همین راستا، دکتر هیدفیلد معتقد است که فروید آزادی جنسی را به عنوان روش درمانی انتخاب نمی نماید. ایشان در این زمینه می نویسد: «طبیعیانی که آزادی جنسی را به عنوان درمان نوروز توصیه می نمایند، در معالجه ی چنین حالات روانی ابراز ناتوانی می کنند و این درمان فقط ترویج اخلاق نامتناسب نیست، بلکه همان گونه که فروید بیان نموده، درمان روانی بدی است.» (هیدفیلد، ۱۳۷۴: ۱۷۱)

از بررسی نظریه فروید چنین نتیجه ای دریافت می شود که، آنچه فروید در سطوح سه گانه شخصیت و نفس انسان مطرح می نماید، در یک تحلیل دقیق، تنها در سطح نفس آماره جای می گیرد؛ زیرا همه ی سطوح شخصیت از دیدگاه فروید در خدمت

هوای نفس و لذت جویی جنسی است. تفاوت فقط در چگونگی ارضاء و شیوه های دستیافتن به این هدف است، و همین امر سبب جداسازی ساختارهای شخصیت می شود (شجاعی، ۱۳۸۶: ۳۱۰).

در نتیجه، در نظریه روان شناختی فروید از بین شهوات انسان، شهوت جنسی نقش کلیدی و محوری دارد؛ اما پیروان فروید همانند کارل یونگ، آدلر و کارن هورنای تأکید افراطی فروید بر نقش میل جنسی را نقد نموده اند (سیاسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

از طرفی، یونگ خواسته های انسان را همچون «انرژی زندگی» می داند. وی بر این نظر است که، این نیرو در خدمت پرورش و پیشرفت جسم انسانی قرار دارد. به همین دلیل، گرایش و شهوت انسانی منحصر در تمایل جنسی نیست، چون نیروی جنسی تنها پس از بلوغ شکل می گیرد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹: ۳۲۸-۳۲۹).

از طرفی بر مبنای دیدگاه قرآن، در صورتی که گرایش ها و خواهشهای شهوانی انسان در مسیر مدیریت و کنترل وجدان انسانی (نفس لوّامه) و فطرت پیراسته آدمی که او را به سوی نفس مطمئنه راهنمایی می کند قرار نگیرد، مسیر تنزل و انحطاط را طی خواهد نمود تا جایی که از مرتبه حیوانیت نیز تنزل خواهد نمود. خداوند چنین افرادی را در آیه ۱۷۹ سوره اعراف این گونه توصیف نموده است: «...و لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» به همین جهت، انسان برای جلوگیری از حاکمیت نفس اماره، تقویت نمودن نفس لوّامه و دستیابی به نفس مطمئنه باید «تقوا» پیشه کند واز این طریق در برابر هواهای نفسانی و افکار شیطانی مقاومت نماید، و چون انسان در زندگی خویش همواره در معرض خطرها و افکار و تمایلات نفسانی و شیطانی است؛ از این رو، لازم است به تزکیه نفس بپردازد که در آیات قرآن و احادیث معصومان - علیهم السلام - چگونگی و راه و روش آن ذکر شده است.

بنابراین، قرآن انسان را نسبت به طغیان و سرکشی امیال شهوانی آگاهی داده و او را از ارتکاب آن هشدار داده است. البته، شهوات انسان فراوان و گوناگونند و منحصر به شهوت جنسی نمی شوند. هدف خداوند از قرار دادن امیال شهوانی در وجود آدمی این است که زندگی دنیوی انسان تداوم یابد؛ لکن اگر شهوت جولان یابد، جنبه ی تمایل به زشتی او تقویت شده، امکان شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی از بین می رود.

نتیجه گیری

یکی از اصولی ترین مبانی تربیت جنسی در اسلام، کشش انسان به سمت معنویت است و افراد باید به نحوی تربیت شوند که جنبه ی معنوی آنان در جریان تربیت جنسی، شکوفا شده و غریزه جنسی، وسیله ای جهت شکوفا سازی آن قرار گیرد. اصلی ترین هدف تربیت جنسی که از زمان کودکی شروع می شود، این است که: فردی را تربیت کنیم که توانایی مواجهه ی صحیح

و مطلوب با غرایز جنسی خود را داشته باشد؛ نه آن را سرکوب سازند و نه به بی بند و باری و انحراف و فحشا کشیده شوند و در نهایت، زن و مرد بتوانند با کمک هم، محیطی بسازند که به سلامت روانی خود و در مناسبات اجتماعی، سلامت جامعه دست یابند. جهت دستیابی به تربیت جنسی- همانند نظام تعلیم و تربیت-، نیازمند به ارائه یک بینش کلی حاکم بر تمامی رفتارها و پدیده‌ها و نیایدهای آموزشی و تربیتی، هستیم؛ به نحوی که بین آنها، نوعی ارتباط، انسجام، نظم و هماهنگی برقرار شود.

بشر با وجود همه ی پیشرفت های خود، درگیر بحران های فراوانی در زمینه تعلیم و تربیت و به خصوص در زمینه ی آموزش و تربیت جنسی است. فقدان جهان بینی و نظام تربیتی مبتنی بر مبنای نظری و حیانی و نگاه صرفاً مادی و فیزیولوژیک به تربیت جنسی و غفلت از جنبه های روانی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آن، عواملی هستند که باعث شده اند بشر در این بحران، غوطه ور باشد و پیشرفت نکند. در نظام تربیت جنسی در اسلام، به همه ابعاد این موضوع- از بهداشت جنسی گرفته تا چگونگی تحکیم روابط زن و مرد در خانواده- پرداخته شده است و با بهره گیری درست از این نظام می توان نظام تربیت جنسی کارآمدی را که پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و در تعالی و تکامل آن نقش داشته باشد را به دست آورد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، ۱۴۱۵، تهران، انتشارات دارالقرآن الکریم.
- بهشتی، احمد ۱۳۷۲، اسلام و تربیت کودکان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- بهشتی، محمد، تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی، مجله تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۸، پاییز و زمستان، ۱۳۸۵، صص ۸۹-۱۱۴.
- ثابت، حافظ، ۱۳۸۱، تربیت جنسی در اسلام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۳ق، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- دوایی، مهدی و بنی سی، پری ناز، تربیت جنسی در اسلام، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، آذرماه ۱۳۸۴، تهران، دانشگاه شاهد.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹، مکتبهای روان شناسی و نقد آن، تهران، سمت.
- رستمی، مهتاب و همکاران، بررسی دیدگاه دانشجویان درباره چگونگی افزایش آگاهی جنسی جوانان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، ۱۳۸۴، تهران، دانشگاه شاهد.

سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۹۱، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. سیاسی، علی اکبر، نظریه های شخصیت، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۸، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی.

شجاعی، محمدصادق، دیدگاه های روان شناختی آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۸۶، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی.

فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۳ق، المحجة البيضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۹۹ق، الحقایق فی محاسن الاخلاق، بیروت، دارالکتاب العربی.

فیض کاشانی، ملا محسن، بیتا، تفسیر الصافی، بیروت، مؤسسه اعلمی.

مدن، یوسف، تربیت جنسی در اسلام، ترجمه بهروز رفیعی، مجله پژوهش های تربیت اسلامی، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، انتشارات صدرا.

هیدفیلد، ژآ، روان شناسی و اخلاق، ترجمه علی پریور، چاپ دوم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶.

<https://ravanhami.com> سایت روان شناسی.